



تعویق صدور حکم، مداخله حداقلی؛ فردی کردن مجازات با رویکرد تطبیقی

حسین فتح آبادی^۱

محمدعلی مهدوی ثابت^۲

محمد آشوری^۳

نسرين مهرا^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۲/۳۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۴/۱۶

چکیده

مدیریت عدالت کیفری با رویکرد حقوق بشری و مشارکتی ضمن حفظ جلوه‌های ترمیمی در فرآیند کنترل جرم به دنبال کاهش جمعیت کیفری، تراکم پرونده‌ها و هزینه‌های عدالت کیفری می‌باشد. لذا زمانی که تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات ضرورت نداشته، اعطای فرصتی به بزهدار جهت اصلاح و بازپروری مناسب باشد و عمل ارتكابی نیز از جرائم مهم (جنایی) نباشد سیاست، مداخله حداقلی و مدارا پیش می‌گیرد. کشور ما در این رهگذر از تغییر و تحول دور نمانده با اقتباس از کشورهای فرانسه و انگلستان ملهم از ضرورت‌ها و یافته‌های حقوق جنایی منجمله جایگزین‌های مجازات (بالاخص حبس کوتاه مدت) در تصویب قوانین کیفری به نهادهای ارفاقی و فرصت بخش از جمله تعلیق تعقیب توجه نموده، در سیر تحول تقنینی با تصویب قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ علاوه بر تغییرات در نهاد تعلیق اجرای مجازات ضمن توجه به نهادهایی همچون تعویق، تعلیق یا ترک تعقیب، با رویکرد «رواداری کیفری» نهادهای جدیدی مثل تعویق صدور حکم، بایگانی کردن پرونده و... را تاسیس نموده است. نهاد تعویق قبل و بعد از تعیین مجازات با بسیاری از مفاهیم سیاست جنایی مانند:

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. fathabadi_amir@yahoo.com

^۲ عضو هیات علمی، استادیار، گروه تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول): mmahdavisabet@srbiau.ac.ir

^۳ عضو هیات علمی، استاد، گروه تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. m-ashouri@srbiau.ac.ir

^۴ عضو هیات علمی، دانشیار، گروه تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. docnas@mail.com

کرامت انسانی، فردی کردن عدالت کیفری، مصلحت گرایی، کیفرزدایی، عدالت ترمیمی، بزهکار و بزه‌دیده مداری و... ارتباط دارد.

کلید واژه‌ها

تعویق صدور حکم، مداخله‌ی حداقلی، اصلاح مجرم، احراز مجرمیت.

مقدمه

قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ایران با توجه به آموزه‌های حقوق اروپایی و از جمله حقوق فرانسه، دست به نوآوری‌هایی زده است که، می‌تواند در نحوه برخورد با بزهکاران، تحولی مفید ایجاد کند. یکی از این نوآوری‌ها تعویق است که نشانگر مداخله حداقلی و توجه قانون‌گذار به رویکرد اصلاح‌گرا درباره مرتکبان جرم است.

این تاسیسات امکان فردی کردن تصمیمات در مراحل پیش، حین و بعد از قضاوت توسط دادسرا و دادگاه را فراهم می‌نماید، فردی کردن عدالت کیفری در ابعاد تقنینی، قضایی و اجرایی. حال این پرسش مطرح می‌شود که تعویق صدور حکم می‌تواند مجرم را تشویق به ارتکاب جرایم بعدی نماید؟ یا می‌توان تعویق را به عنوان تاسیسی در نظر گرفت که هدف اساسی آن دوری مجرم از کیفر و در برخی موارد الزام وی به انجام دستورات و تعهدات برای اصلاح رفتار مجرمانه اش می باشد تا دادگاه بتواند با احراز شرایطی اقدام به اتخاذ تصمیم و تدابیر متناسب نماید. در مقاله‌ی پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مفهوم، شرایط و آثار قرار تعویق صدور حکم اعم از ساده و مراقبتی، از قبیل شرایط مربوط به بزه، بزهکار، بزه دیده و هم چنین شرایط مربوط به دادگاه، قلمرو شمول نهاد مذکور، تدابیر، دستورات و... منجمله از منظر تطبیقی پرداخته شده است.

۱. شرایط قرار تعویق صدور حکم ساده

تعویق صدور حکم ضمانت اجرا کیفری اجتماع محور است که در سند قواعد حداقل راجع به تدابیر غیر سالب آزادی در سال ۱۹۹۰ (موسوم به قواعد توکیو) به عنوان گونه ای از جایگزین های حبس معرفی شد. این سامانه در سال ۱۸۴۱ میلادی به ابتکار آگوستوس در بوستن و بیرمنگام آمریکا به کوشش هیل و با هدف اولیه اصلاح بزهکار بوجود آمد. این نهاد در آغاز نسبت به مجرمان جوان اعمال می شد و اولین بار در قانون

۱۹۶۴ بلژیک به عنوان یکی از تدابیر دفاع اجتماعی شناسایی شد. (زراعت، عباس، ۱۳۸۴، ۲۸۳)

به موجب این روش مقام قضایی پس از اخذ موافقت بزه‌کار، برای یک دوره زمانی مشخص صدور رای محکومیت کیفری را به تاخیر می‌اندازد (Canin, P, 2010, 129). در واقع مقام قضایی با بررسی شرایط بزه‌کار و در نظر گرفتن خصیصه‌های فردی و محیطی او، با وجود احراز مجرمیت (Culpability, la culpabilite)، به جای محکوم کردن بزه‌کار فرصت همنوا شدن با هنجارهای قانونی و به‌سازی را به وی می‌دهد تا در صورت مناسب بودن رفتارهای بزه‌کار در دوره تعویق مقام قضایی او را از تحمل کیفر معاف کرده یا میزان مجازات او را کاهش دهد.

لذا تعویق صدور رای کیفری فرصتی است که طی آن بزه‌کار؛ بی آن که به شکل سنتی از سوی نظام عدالت کیفری با سرزنش کیفری مواجه شود؛ امکان بازگشت به زندگی سالم اجتماعی را می‌یابد. ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: در جرائم موجب تعزیر درجه ۶ تا ۸ دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: براساس ماده مذکور شرایط اصدار قرار تعویق صدور حکم مربوط به جرم ارتكابی، مرتکب، دادگاه، بزه‌دیده و سایر موارد می‌باشد؛

۱،۱: شرایط مربوط به بزه و بزه‌کار

با عنایت به مواد ۴۰ تا ۵۵ قانون مجازات اسلامی مقنن شرایط انواع تعویق اعم از ساده و مراقبتی را پیش‌بینی نموده که در ادامه به نحو اختصار بررسی میشود:

۱،۱،۱: سبک بودن جرم ارتكابی

به موجب مواد ۱۴ الی ۱۸ و ماده‌ی ۲۳ الی ۲۵ قانون مجازات اسلامی به طور کلی مجازات‌ها به سه دسته‌ی اصلی، تکمیلی و تبعی طبقه‌بندی و مجازات‌های اصلی خود به چهار نوع حد، قصاص، دیه و تعزیرات تقسیم می‌شوند که تعریف هر یک از آنها در مواد ۱۵ الی ۱۸ بیان شده است. به موجب ماده‌ی ۱۸ مجازات تعزیری آن نوع مجازات اصلی است که «مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتكاب محرمات شرعی یا نقض مقررات

حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود».

در فرانسه اختیار تعویق صدور حکم فقط در قلمرو بزه‌های جنح‌ای و خلافی به دادرسان واگذار شده است.^۱ کیفرهای خلافی عبارتند از جزای نقدی و کیفر سالب یا محدود کننده که هر یک دارای طبقاتی هستند و حسب مورد بر اساس قانون یا آیین نامه صادره از سوی هیئت وزیران تعیین می‌شوند. (گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لایلا، ۱۳۸۶، ۷۸)

با توجه به مقررات ماده‌ی ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دادگاه تنها در جرایم مشمول مجازات تعزیری درجه شش، هفت و هشت می‌تواند از قرار مذکور استفاده کند و اتخاذ این شیوه نسبت به سایر درجه‌ها (یعنی جرم‌های تعزیری درجه یک تا پنج) و جرایم مشمول مجازات حد، قصاص و دیات چنین اختیاری ندارد.

طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقررات تعویق شامل تعزیرات منصوص شرعی هر چند سبک و کم اهمیت (درجات ۶ و ۷ و ۸) نمی‌شود. هرچند تشخیص منصوص یا غیر منصوص شرعی بودن جرم تعزیری دشوار و میان فقها محل اختلاف است و به طور کلی چهار عمل کرد دوگانه، سه گانه، چهارگانه و پانزده گانه در احصای تعداد این نوع مجازات وجود دارد. (برهانی، محسن، نادری فر، مریم، بهار، ۱۳۹۴، ۱۰۸)

البته با توجه به درجه بندی جرم‌های تعزیری در ماده ۱۹ قانون مذکور این پرسش مطرح می‌شود که هر گاه جرم ارتکاب یافته دارای دو یا چند پاسخ کیفری که یکی در شمار معیارهای درجه شش، هفت و یا هشت و دیگری در سایر درجه‌ها باشد، بر اساس کدام یک باید برای صدور قرار یاد شده اقدام کرد؟

بدیهی است، گزینش هر یک از معیارها در صادر شدن یا نشدن این قرار موثر است. زیرا در صورت ملاک قرار دادن کیفرهای از درجه شش، هفت و یا هشت صدور قرار مزبور میسر می‌گردد؛ در حالی که ملاک قرار دادن مجازات مالی مذکور به کنارگذاری این شیوه می‌انجامد. با توجه به تبصره‌های ۲ و مخصوصاً ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی در صورت تعدد مجازات‌ها مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر مجازات حبس ملاک است.

^۱ تعلیق ساده تدبیری است که قضات فرانسوی از آن استفاده فراوان می‌کنند، به گونه‌ای که دادگاه‌های جنحه تقریباً در حدود ۵ درصد محکومیت به زندان‌های تادیبی و ۵ تا ۶ درصد مجازات‌های جزای نقدی را تعلیق می‌کنند. در جرم‌های شدید، با توجه به آنکه محکوم اغلب با داشتن پیشینه کیفری از تخفیف قضایی مجازات استفاده می‌کند، تعلیق مجازات در نسبت پایین‌تری حدود ۴ درصد صورت می‌گیرد. (آشوری، محمد، ۱۳۸۲، ۱۸۴)

همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشتگانه ماده مذکور مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت و مشمول این نهاد محسوب می‌شود.

با توجه به اینکه عمده هدف تعیین کیفر برای مجرمان جرایم مشمول تعزیر هدف اصلاحی مجازات می‌باشد و فلسفه‌ی ایجاد چنین نهادی در نظام‌های کیفری که اعطای فرصت بازسازی و باز اجتماعی شدن مجرم می‌باشد، الحاق مجرمان مشمول مجازات حد که هدف عمده از چنین مجازات‌هایی ایجاد ارباب «صرف نظر از بعد تعبدی و فوریت و عدم تراخی اجرای آنها» و قصاص که هدف اصلی آن اجرای عدالت «البته به معنای نادیده گرفتن حصول سایر اهداف مجازات نخواهد بود» و دیات که هدف مهم آن جبران خسارت وارده به قربانی جرم می‌باشد، با هدف تعویق مجازات بی‌مناسبت بوده و به این ترتیب دادگاه مجاز به اعمال چنین حقی برای مجرمان مشمول این گونه مجازات‌ها نشده است (اردبیلی، محمد علی. ۱۳۹۵. ۷۷). در قانون مجازات اسلامی امکان صدور قرار تعویق صدور حکم در موارد تعدد یا تکرار جرم به صراحت مشخص نشده و از ظاهر ماده ۴۰ این گونه استنباط می‌شود که اعمال این نهاد تنها منصرف به مجرمینی است که مرتکب جرم واحد یا جرایم متعدد از درجه ۶ تا ۸ شده اند و چنانچه مرتکب یک جرم تعزیری درجه ۵ و ۶ شده باشند تکلیف مشخص نیست و با عنایت به مواد قانونی دیگر منجمله ماده ۷۱ به نظر می‌رسد در این موارد امکان تعویق صدور حکم نباشد. در تعویق صدور حکم شرایط سنی خاصی لازم نیست و هر مرتکبی با تحقق سایر شرایط می‌تواند از این ارفاق برخوردار گردد. این موضوع از ماده ۶۰-۱۳۲ فرانسه قابل استنباط است. البته طبق ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتکابی توسط نوجوانان صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.

در نظام کیفری انگلستان با توجه به اهداف تبیینی کیفر در مقررات ماده ۱۴۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۵ تعویق مجازات عمدتاً برای آن دسته از مجازات‌هایی است که هدف اصلاحی از مجازات را محقق سازند و الا در مواردی که هدف اربابی مجازات مورد توجه قانون‌گذار می‌باشد، اعمال و اجرا نخواهد شد. لذا در نظام کیفری انگلستان برای مجرمان «جرایم جنسی» (Sexual Offences) و یا مجازات‌هایی که برای «حمایت از عموم» در جرایم «خشن» مقرر گردیده، صدور چنین مجازاتی ممنوع می‌باشد (Ashworth, A. 1992. 219).

۱،۱،۲: وجود جهات تخفیف

از جمله الزامات صدور قرار تعویق مجازات وجود جهات مخففه است به این معنا که برای

صدور قرار تعویق مجازات تنها در صورت وجود یکی از جهات مذکور دادگاه می‌تواند اقدام به صدور قرار تعویق نماید، و الا چنانچه جهتی از جهات حصری مخففه در ماده ۳۷ وجود نداشته باشد مجاز به صدور آن نخواهد بود. جهات مخففه در ماده مذکور عبارتند از: گذشت شاکی خصوصی یا مدعی خصوصی، همکاری موثر متهم در شناسایی شرکاء یا معاون جرم، همکاری موثر متهم در تحصیل دلیل. همکاری موثر متهم در تحصیل اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته در ارتکاب جرم، اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم و ... (ر.ک. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی)

در نظام کیفری انگلستان بر اساس قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری، قضات مکلف اند در زمان صدور حکم افزون بر عوامل مشدده، به عوامل مخففه موجود در پرونده نیز توجه کنند (مهر، نسرين. ۱۳۹۲. ۱۴۴). جهاتی مانند تلاش مجرم برای جبران خسارت وارده به بزه‌دیده، جوانی و ناپختگی مجرم، سوابق مطلوب اجتماعی، خانوادگی و حسن رفتار وی، مسئولیت پذیری خانوادگی، ناتوانی جسمی یا روانی، نداشتن سابقه کیفری، اقرار و همکاری وی با پلیس مواردی هستند که به عنوان عوامل مخففه پیش‌بینی شده و دادگاه ملزم است در زمان تعیین کیفر از جمله صدور قرار تعویق مجازات به آن‌ها توجه کند (سبزواری نژاد، حجت. ۱۳۹۱. ۶۴).

۱.۱.۳: فقدان سابقه‌ی کیفری موثر

مطابق بند ت ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی «فقدان سابقه کیفری موثر» در شمار شرایط بزه‌کار مدار گنجانده شده است تا از این طریق مقام قضایی گذشته رفتاری مجرم را شناسایی کند. و این که سابقه‌ی محکومیت موثر چیست باید به ماده‌ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی رجوع کرد، مجازات‌هایی که مربوط به این بندها می‌گردد؛ محکومیت موثر محسوب می‌شود و اگر کسی محکومیت قطعی نسبت به این جرائم داشته باشد نمی‌تواند از مقررات مربوط به تعویق صدور حکم برخوردار شود.

نهاد تعویق صدور حکم در ارتباط با مجرمین غیرخطرناک اعمال می‌شود. داشتن سابقه کیفری مؤثر، نشان از خطرناک بودن مجرم دارد. در نتیجه چنین مجرمی دارای ظرفیت جنایی بالاست و نمی‌توان اقدامات ارفاقی نظیر نهاد مذکور را در حق وی اعمال کرد.

پیش‌بینی این شرط نمایانگر گرایش سیاست جنایی (Criminal Policy / la Politique Criminelle) ایران به ارفاق نسبت به آن دسته از بزه‌کاران است که پیش از ارتکاب این جرم

دارای سابقه کیفری موثر نبوده و همواره درصدد احترام گذاشتن به هنجارهای قانونی می‌باشند. به دیگر سخن، شرط مذکور با دادن امکان بررسی سابقه زندگی کیفری بزه‌کار به مقام قضایی صرفاً بزه‌کاران مذکور را سزاوار ارفاق کیفری و بهره جستن از تشویق‌های نظام عدالت کیفری (Administration de la justice penale) می‌پندارد. زیرا فرض بر این است که مجرمان بدون پیشینه کیفری موثر تا پیش از ارتکاب جرم، در شمار شهروندان هنجارگرا و یا ناکرده بزه بوده و دارای حالت خطرناک نیستند. این شرط تکمیل‌کننده شرط پیشین بوده و برای مقام قضایی و نهایتاً نظام عدالت کیفری فرصت بررسی دقیق وضعیت بزه‌کار را فراهم می‌آورد. با توجه به ماده ۳۹ و ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی فردی دارای سابقه کیفری موثر است که اولاً، دارای محکومیت قطعی کیفری باشد و بنابراین کسانی که دارای سابقه محکومیت غیر قطعی و یا دارای سابقه محکومیت قطعی حقوقی بوده مشمول آن نخواهند بود. البته عدم اجرا یا شروع به اجرای حکم محکومیت تأثیری در عدم تحقق شرط مذکور نداشته بلکه صرف محکومیت قطعی کافی خواهد بود. ثانیاً، محکومیت قطعی کیفری مجرم مربوط به جرایم عمدی باشد. بنابراین محکومیت کیفری قطعی به جرایم غیر عمدی یا در حکم شبه عمد یا خطا محض یا در حکم آن مشمول شرط مذکور نخواهند بود. ثالثاً، محکومیت کیفری قطعی در خصوص جرایم عمدی باید باشد که مجازات قانونی آن‌ها سالب حیات (اعدام)، حبس ابد، قطع عضو و قصاص عضو که دیه آن بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد (مجازات محاربه) و حبس تا درجه چهار، شلاق حدی، قصاص عضوی که دیه آن نصف دیه مجنی علیه و یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج. بنابراین در غیر موارد مذکور همانگونه که در تبصره یک ماده ۲۵ آمده است سایر محکومیت‌های کیفری قطعی مجرم مانع از صدور قرار تعویق وی نخواهد شد و سابقه کیفری موثر تلقی نخواهد شد.

از منظر تطبیقی در قانون جزای فرانسه چنین شرطی دیده نمی‌شود. بنابراین اگر کسی قبلاً مرتکب جرم شده باشد و دارای سابقه کیفری نیز باشد، دادگاه با ملاحظه و رعایت شرایط اعطای نهاد تعویق صدور حکم، می‌تواند قرار مذکور را حتی درباره مجرمین باسابقه اعمال کند. به بیان دیگر، مجرم باسابقه کیفری مانند مجرم فاقد سابقه، حق استفاده از تعویق صدور حکم مجازات را دارد (استفانی، گاستون. و لواسور، ژرژ. و بولوک، برنارد. ۱۳۷۷. ۸۵۷).

در نظام کیفری انگلستان نیز از شرایط تعیین کیفر و به ویژه این نوع مجازات آن است که مجرم سابقه کیفری در خصوص جرم ارتكابی و یا هر جرم دیگری نداشته باشد و الا دادگاه نمی‌تواند اقدام به تعویق مجازات او نماید. البته همانگونه که بیان گردید چنانچه مجرم دارای

سابقه تعویق مجازات قطعی بوده باشد و از آنجاییکه این نوع مجازات در انگلستان سابقه محکومیت کیفری محسوب نمی‌گردد، دادگاه به این نوع محکومیت به دیده سابقه کیفری نمی‌نگرد و در صورت احراز سایر شرایط می‌تواند اقدام به تعویق مجازات وی بنماید (Easton, S., & Piper, C. 2005. 365).

تفاوت کلی که در قوانین کیفری ایران و انگلستان در مورد تعیین کیفر وجود دارد آن است که قوانین کیفری انگلستان در تعیین انواع کیفر جز در موارد خاص همانند ارتکاب قتل عمد یا جرایمی با انگیزه نژادی که حداقل و حداکثر آن معین گردیده در اکثر قریب به اتفاق موارد تعیین کیفر از سیستم تعیین حداکثر سود می‌برد. به این معنا که قانون‌گذار با تعیین حداکثر مجازات، میزان آن را (تا حداکثر) به دادگاه‌ها محول تا متناسب با شرایط جرم و مجرم اقدام به تعیین کیفر نمایند.

در نظام کیفری انگلستان از جمله شرایط صدور حکم به طور کلی و تعویق مجازات به طور خاص تهیه گزارش قبل از صدور حکم مجازات توسط دادگاه است. به موجب بند ۵ ماده ۳۶ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۲۰۰۰ و بندهای یک و دو ماده ۱۵۹ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ دادگاه می‌باید قبل از صدور حکم و تعیین کیفر اقدام به تهیه گزارش کتبی از وضعیت و اوضاع و احوال حاکم بر جرم، قربانی جرم و مجرم نموده و حتی نسخه‌ای از آن را به مجرم یا وکیل وی در جلسه علنی دادگاه ارائه نماید. همین امر در ماده ۸۴ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۲۰۰۰ مورد تاکید قرار گرفته است. جهاتی همچون تلاش مجرم جهت جبران خسارات وارده به قربانی جرم، جوانی و ناپختگی مجرم، شخصیت خوب قبلی وی، مسئولیت‌های خانوادگی، ناتوانی جسمی یا روانی، فقدان سابقه کیفری مجرم، اقرار به مجرمیت و همکاری با پلیس همگی مواردی هستند که به عنوان عوامل مخففه پیش‌بینی و دادگاه‌های کیفری ملزم به رعایت آن‌ها در تعیین کیفر از جمله قرار تعویق مجازات برای مجرم می‌باشند (Sprack . J, 2012, 22.69-22.75).

۱.۱.۴: جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

این امر نشانگر این است که قانونگذار به حقوق بزه دیده توجه داشته است و کسی را مشمول این نهاد می‌داند که یا ضرر و زیان ایجاد شده در نتیجه‌ی ارتکاب جرم را جبران کند یا ترتیبی برای جبران آن در آینده بدهد.

قانون گذار ایران از رهگذر مواد پیش گفته به شماری از شرایط بزه‌دیده مدار برای صدور قرار مذکور اشاره کرده است. نخستین شرط بزه‌دیده مداری، جبران خسارت وارده به بزه‌دیده از سوی بزه‌کار و یا تلاش برای جبران آن است. به موجب بند پ ماده ۴۰ ماده مذکور مقام قضایی باید برای صدور قرار مذکور رفتار بزه‌کار در خصوص ترمیم زیان‌های وارد شده به بزه‌دیده را مورد بررسی قرار دهد. به این شرط علاوه بر بند مزبور به طور غیرمستقیم از طریق بند الف ماده ۴۰ و بند ج ماده ۳۸ توجه گردیده است. به این صورت که بزه‌کار پس از ارتکاب جرم «... برای جبران زیان ناشی از آن» اقدام نماید.

به این ترتیب، جبران زیان وارد شده به بزه‌دیده و یا توافق بزه‌کار با بزه‌دیده در زمینه چگونگی جبران آن از جمله شرایط بزه‌دیده مدار است که پیش‌بینی آن نقش موثری در حمایت از حقوق بزه‌دیده ایفاء می‌کند. مقنن ایران از رهگذر شرط مذکور به تعویق صدور رای جنبه ترمیمی بخشیده و در کنار توجه به وضعیت بزه‌کار و اعطای ارفاق کیفری به وی، مصالح بزه‌دیده را نیز مد نظر قرار داده‌اند که از جلوه‌های بزه دیده شناسی حمایتی است که در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی به حقوق بزه دیده و ترمیم و جبران آثار بزه دیدگی توجه شایسته می‌شود (رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۹۰، ۱۵).

اقدام مذکور از ناحیه متهم دلالت بر این امر دارد که اولاً مجرم قبول به جبران خسارت وارده نموده که تاثیر به‌سزائی برای تشفی خاطر قربانی جرم خواهد داشت ثانیاً، پرداخت خسارات وارده یا ترتیب آن به قربانی جرم حکایت از توجه قانون‌گذار به قربانی جرم و سرنوشت وی در جریان دادرسی دارد. امید مجرم به دریافت قرار تعویق مجازات از دادگاه این انگیزه را در او ایجاد خواهد کرد که به دنبال جلب رضایت متضرر از جرم برود و او را راضی نماید. لذا پیش‌بینی این امر تاثیر به‌سزائی در جهت ترمیم روابط مجرم و قربانی جرم خواهد داشت که در نتیجه در بهبود روابط اجتماعی و تغییر رفتار مجرم و توجه به هموعان وی موثر خواهد بود (Duff, A, 2003. 42). یکی از جهات تخفیف، جبران خسارات وارده به متضرر از جرم است چنانچه فردی اقدام به جبران خسارت وارده و ترتیب جبران آن را نموده آیا می‌توان هم به عنوان جهت مخففه و به عنوان شرط مذکور که مستقلاً به عنوان یکی از شرایط تعویق از آن نام برده شده است تواماً استفاده نماید یا نه؟ به نظر می‌رسد ممنوعیتی در این خصوص وجود ندارد. بنابراین در صورت تحقق این شرط به نظر می‌رسد هم شرط جهت مخففه رعایت گردیده و هم شرط مذکور که به عنوان شرط مستقلی بیان شده است بنابراین نیازی به احراز جهت دیگری از جهات مخففه نخواهد بود.

در همین زمینه قانون مجازات فرانسه در ماده ۶۰-۱۳۲ به این موضوع اشاره کرده است در واقع زمانی قاضی اجرای مجازات‌ها در فرانسه می‌تواند صدور حکم مجرم را به تعویق بیندازد که خسارت‌های ناشی از ارتکاب جرم در حال جبران باشد و مجرم درصدد جبران خسارت‌ها برآمده باشد. لازم به ذکر است که با توجه به رویه قضائی فرانسه، دادگاه در زمان تعویق صدور حکم، نیازی به ذکر شرایط پیش‌بینی شده مذکور در ماده ۶۰-۱۳۲ در تصمیم خود ندارد. ذکر این نکته اینجا لازم به نظر می‌رسد که براساس بند ۲ ماده ۵۸ قانون جزای فرانسه، چنانچه دادخواست ضرر و زیان تقدیم شده باشد، دادگاه ضمن تصمیم در خصوص تعویق، حکم به ضرر و زیان مدعی خصوصی صادر خواهد نمود. در نظام حقوقی انگلستان الزام مجرم به جبران خسارت قربانی جرم از سوی دادگاه‌های کیفری به قانون عدالت کیفری ۱۹۷۲ بر می‌گردد که یک سال بعد مواد ۳۸-۳۵ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳ جایگزین آن گردید. جبران خسارت به عنوان مجازات و یا بخشی از آن از دهه ۸۰ با پیشگامی برای جوانان مجرم وارد قوانین کیفری انگلستان گردید. هدف از آن اعطای فرصت روبرو شدن مجرم و قربانی و جبران خسارت وی، آگهی دادن مجرم از اثراتی که عمل مجرمانه وی روی قربانی گذاشته، شرکت قربانی در نظام عدالت کیفری و توسعه عدالت برای قربانی و مجرم بود. نتایج تحقیقات از اولین اقدامات به عمل آمده در برخی از زندان‌های این کشور، نشان می‌دهد که چنین اقداماتی حتی تا اواخر دهه ۹۰ به‌جز در موارد جزئی رضایت بخش نبوده است (Dignan, J, 2005, 156). مطابق ماده ۶۷ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۲ که مقررات قوانین قبلی در این زمینه را اصلاح نموده، دادگاه‌های کیفری موظف گردیدند که صدور دستور جبران خسارت برای قربانی جرم را در مرحله تعیین مجازات مورد توجه قرار دهند. بعد از آن مطابق مواد ۱۰۴ و ۱۰۵ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ پرداخت خسارت به بستگان مقتول، غیر از جرایم مربوط به راهنمایی رانندگی، در مورد هزینه‌هایی که در این خصوص متحمل گردیده و همچنین پرداخت خسارت به افراد مصدوم ناشی از جرم خسارات جزایی مجاز اعلام و محدودیت‌های گذشته در این ارتباط مرتفع می‌گردید و قانونی که امروزه در این زمینه در انگلستان قابل اجرا می‌باشد موارد مقرر در مواد ۱۳۴ - ۱۳۰ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۲۰۰۰ است که برخی از این مقررات در سال ۲۰۰۳ مطابق با جدول ۳۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ اصلاح گردیده است. در مواد ۱ و ۲ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۲۰۰۰ آمده است که دادگاه جزا یا مجیستری (صلح) می‌باید در تعیین مجازات، شرایط و اوضاع و احوال مجرم را همراه با اقداماتی که موجب جبران خسارت قربانی جرم می‌گردد لحاظ نمایند. قانون ۲۰۰۳

نیز این امکان را به دادگاه داده است که در تعیین مجازات‌های اجتماعی و شرایط تعیین شده در این گونه مجازات‌ها، اهداف مجازات و جبران خسارت قربانی جرم را ملحوظ نظر قرار دهد. به همین جهت است که ماده (۲) ۲۰۱ قانون مذکور اجازه می‌دهد که در الزام به انجام فعالیت خاص، اقدام به فعالیتی که جبران خسارت قربانی را در بر گیرد و هدف آن جبران خسارت قربانی جرم و یا افرادی که از جرم متاثر شده اند را مدنظر قرار داده و آن را در اولویت قرار دهد. چنین الزاماتی می‌تواند در آزادی برای زندانیانی که بخشی از مجازات سالب آزادی را سپری کرده‌اند موثر بوده و آنان را تشویق به جبران خسارت قربانی جرم نماید. مطابق با ماده (۱) ۱۳۱ قانون اختیارات کیفری ۲۰۰۰ مقرر گردید دستور جبران خسارت می‌تواند جایگزین هر اقدام و یا مجازاتی که دادگاه برای مجرم در نظر دارد، شود مگر در موارد مجازات‌های اجباری که در مواد ۱۱-۱۰۹ آمده است. دادگاه می‌تواند در کنار و همراه با هر تصمیمی که برای فرد محکوم اتخاذ می‌نماید در مورد جبران خسارت صدمه بدنی ضرر و عدم نفعی که در اثر جرم به قربانی وارد آمده است، اقدام به صدور حکم برای قربانی جرم نماید (ماده (۱) ۱۳۰). دادگاه باید در صورت عدم صدور دستور جبران خسارت دلایل خود را در رای ارائه نماید (ماده (۳) ۱۳۰). به موجب ماده (۱۲) ۱۳۰ در مواردی که دادگاه اقدام به صدور حکم جزای نقدی یا دستور جبران خسارت وارده به قربانی را صادر می‌نماید و برای مجرم امکان پرداخت هر دوی آن‌ها ممکن نباشد باید صدور دستور جبران خسارت وارده به قربانی را صادر نماید و برای مجرم امکان پرداخت هر دوی آن‌ها ممکن نباشد باید صدور دستور جبران خسارت را برای قربانی جرم در اولویت قرارداده و از صدور جزای نقدی خودداری نماید (مهر، نسرین؛ سبزواری نژاد، حجت، ۱۳۹۰، ۱۲۹). بنابر قوانین کیفری ایران می‌توانند جبران خسارت وارده را به عنوان مجازاتی مستقل صادر و مجازات دیگری از قبیل جزای نقدی و یا حبس برای مجرم صادر نمایند (سبزواری نژاد، پیشین، ۶۷).

۱.۱.۵ اختیاری بودن تعویق صدور حکم

ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند» بنابراین قرار تعویق صدور حکم از اختیارات دادگاه است. به این معنا که تعویق صدور حکم اصولاً حق بزه‌کار نیست بلکه از اختیارات دادگاه است تا بر اساس استنباط قضایی خود در هر مورد با توجه به اصل فردی کردن قضایی مجازات در کنار اصل فردی کردن قانونی مجازات اعمال اختیار کرده، حکم به کیفر را صادر کرده یا آن را به تعویق اندازد.

در نظام دادرسی کیفری فرانسه همواره این اندیشه وجود دارد که میان تعقیب دعوای عمومی و بایگانی کردن سنتی پرونده‌ها، روشی بینابین وجود داشته باشد که در این مورد اعمال ارتكابی مستلزم واکنشی کیفری است (آشوری، محمد. ۱۳۸۲. ۲۲۹).

ماده ۶۰-۱۳۲ قانون جزای فرانسه و ماده ۵۹ قانون جزای آلمان نیز صدور چنین قراری را از اختیارات دادگاه می‌دانند. البته در برخی کشورها نظیر انگلستان، صرف تشخیص دادگاه مبنی بر استحقاق مجرم کفایت نمی‌کند بلکه رضایت خود او نیز شرط اساسی محسوب می‌شود و قاضی نمی‌تواند بدون توافق با مجرم، دست به چنین اقدامی بزند. پس با توجه به اینکه تأسیس‌های ارفاقی، حق متهم محسوب نمی‌شود، رضایت یا عدم رضایت او در اعمال آنها علی‌الاصول باید فاقد تاثیر باشد.

۱.۱.۶: حضور و موافقت بزه‌کار

حضور و موافقت بزه‌کار با توجه به مواد ۴۰ و ۴۱ به شکل‌های مختلف متبلور می‌گردد. شکل نخست، تعهد نوشتاری بزه‌کار به انجام برخی دستورهای مقام قضایی در دوره تعویق است. براساس ماده ۴۱ این قانون بزه‌کار (چه در تعویق ساده و چه در تعویق مراقبتی) باید (به صورت نوشتاری) نسبت به انجام درست و دقیق شماری از دستورهای قضایی-کیفری متعهد شود. به موجب قسمت نخست ماده مزبور این تعهد در خصوص تعویق ساده به شکل مرتکب جرم نشدن و نسبت به تعویق مراقبتی در قالب انجام یکی از تدابیر پیش‌بینی شده در ماده ۴۲ مثلاً «حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر» (بند الف) در این دوره متبلور می‌گردد. به موجب این ماده تعهد بزه‌کار به مرتکب نشدن جرم، از یک سو گرایش وی به سمت هنجارگرایی و از سوی دیگر، موافقت بزه‌کار با این شیوه به منظور تعیین سرنوشت دعوای کیفری را نمایان می‌سازد. باید اشاره کرد که طبق بند ۱ ماده ۷۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تصمیم دادگاه مبنی بر تعویق صدور حکم در سجل کیفری شخص ثبت خواهد شد. در حقوق فرانسه در خصوص تعویق همراه با تعهد، تمدید مدت تعویق صدور حکم (برخلاف تعویق ساده و مراقبتی) امکان‌پذیر نیست. قسمت اخیر ماده ۶۰-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه مقرر می‌دارد: تعویق نمی‌تواند مورد حکم قرار گیرد مگر اینکه شخص حقیقی متهم یا نماینده شخص حقوقی متهم در جلسه دادگاه حضور داشته باشد. زیرا در حقوق فرانسه این موضوع مربوط به نظم عمومی بوده و رعایت آن کاملاً ضروری است.

قرار تعویق ساده در مقررات مذکور بی شباهت با قرار تعویق مجازات به صورت مشروط در انگلستان نمی‌باشد، دادگاه با احراز شرایطی اقدام به تاخیر مجازات وی نموده و با توجه به بند الف ماده ۴۰ مجرم، به صورت کتبی (در صورت بیان شفاهی باید تعهد او صورتجلسه شود)، متعهد می‌گردد که در مدت تعیین شده از سوی دادگاه که کمتر از شش ماه و بیشتر از دو سال نخواهد بود مرتکب جرمی نشود. در صورت اخذ تعهد مذکور دادگاه می‌تواند اقدام به آزادی وی نماید. به نظر می‌رسد که دادگاه می‌باید بعد از احراز مجرمیت، ابتدا اقدام به صدور قرار نموده و پس از آن از مجرم تعهد اخذ نماید که در مدت تعیین شده مرتکب جرمی نشود و الا در صورتی که دادگاه اقدام به صدور قرار ننماید، اخذ تعهد برای عدم انجام جرم در مدت تعیین شده معنا نخواهد داشت. چرا که باید مدت تعیین شده در قرار تعویق نوشته شود. در صورتی که مجرم از تعهد مذکور امتناع نماید دادگاه مراتب را صورتجلسه و باید اقدام به تعیین مجازات وی نماید. بنابراین با توجه به مراتب مذکور و صراحت تبصره یک ماده ۴۰ صدور قرار تعویق به طور غیابی ممنوع و می‌باید مجرم در دادگاه حاضر و مراتب تعهد خود را اعلام دارد. با توجه به فلسفه صدور قرار تعویق مجازات و لزوم آشنایی با روحیات و اوضاع و احوال مجرم که امری موضوعی و به تشخیص دادگاه بوده، تحقق این امر با محاکمه غیابی وی و همچنین محاکمه بدون حضور وی (مثلاً از طریق ارائه دفاعیه و یا معرفی وکیل) منافات خواهد داشت. بنابراین دادن تعهد از سوی بزه‌کار و انصراف او از ارتکاب دوباره رفتار مجرمانه، پافشاری وی بر احترام گذاردن به مقررات و پذیرش روش مزبور نشانه تعهد بزه‌کار به شرط بنیادی این شیوه است که پیش‌بینی آن به این روش ماهیت توافقی و دو سوپه یا افقی بخشیده است.^۱

شکل دوم، این موافقت به صورت اقرار و همکاری متهم با دست اندرکاران عدالت کیفری نمایان می‌شود. به موجب بند الف ماده ۴۰ «وجود جهات تخفیف» به عنوان یکی از شرایط گزینش و اجرای این شیوه به شمار آمده است. از این رو، «همکاری موثر متهم در شناسایی شرکاء یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیای حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن» (بند ب)، «اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار موثر وی در حین تحقیق و رسیدگی» (بند ت) و «ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری» (بند ث) از جمله زمینه‌های مناسب برای برقراری توافق میان مقام قضایی و بزه‌کار می‌باشند. زیرا انجام

^۱ نیازپور، امیر حسن. ۱۳۹۳. توافقی شدن آیین دادرسی کیفری. تهران: میزان، ۲۵۶ دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۷۱۳۱۱۰۰۳۸۰ مربوط به پرونده کلاسه ۹۲۰۹۹۸۷۱۳۰۴۰۰۱۷۳ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی کیفری نیریز

این اقدام‌ها از سوی بزه‌کار، از یک سو بیانگر تمایل وی به سمت هنجارمندی و پذیرش الزام-های قانونی و از سوی دیگر، به طور تلویحی نشان دهنده موافقت مجرم با تصمیم مقام قضایی در خصوص اتخاذ و اجرای شیوه مذکور است. در پرتو این روش نظام عدالت کیفری اراده بزه‌کار در زمینه تعیین سرنوشت دعوای کیفری را به رسمیت شناخته و مقام قضایی را به سوی توجه به نظر بزه‌کار هنگام تصمیم‌گیری سوق داده است. در حقوق فرانسه تصمیم دادگاه در مورد تعویق پس از پایان دادرسی و در حضور متهم قرائت می‌شود، در حقوق ایران به موجب تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۴۱ قانون مجازات اسلامی دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند بنابراین در حقوق ما حداقل دفاع متهم در مرحله‌ی دادرسی چه به وسیله‌ی حضور شخص متهم یا وکیل او کافی است تا زمینه‌ساز صدور قرار تعویق صدور حکم گردد. در حقوق فرانسه در غیاب طفل دادگاه می‌تواند قرار تعویق صدور حکم صادر کند (حجتی، سید مهدی. ۱۳۸۰. ۳۹).

۱.۲. شرایط مربوط به دادگاه

۱.۲.۱: احراز مجرمیت متهم

در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند "پس از احراز مجرمیت متهم" با ملاحظه... احراز مجرمیت مستلزم طی فرآیند تحقیق مقدماتی و بررسی و ارزیابی دلایل و شواهد و قراین و نهایتاً حصول قناعت وجدانی مبنی بر مقصر و گناهکار دانستن مرتکب و صدور قرار جلب به دادرسی (مجرمیت) در دادسرا و صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه و طی همین فرآیند متعاقب اقدامات دادستان و یا رأساً انجام آن در دادگاه و عقیده به محکومیت متهم توسط دادرسی دادگاه می‌باشد. توجهاً به مواد ۳۹ تا ۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و مواد ۷۹ تا ۸۲ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. این روش از ایرادات پرهیز از برچسب‌زنی، لزوم تغییر مسیر کیفری و غیر رسمی‌سازی رسیدگی و نتایج نامطلوب درگیر کردن فرد بالاخص مرتکبین کم سن و سال و اتفاقی و هیجانی در فرآیند آیین دادرسی کیفری رسمی مصون نبوده، قابل بحث و تامل و به نوعی با غرض قانونگذار همسویی نداشته و با فلسفه و ماهیت و اهداف تاسیسات ارفاقی هماهنگی مطلوب ندارد. در قلمرو سیاست جنایی ایران تعویق صدور رای کیفری دارای پیشینه نیست. زیرا بر پایه ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ۱۳۷۸ «دادگاه پس از ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود در همان جلسه

مبادرت به صدور رای می‌نماید. مگر این که انشاء رای متوقف به تمهید مقدماتی باشد که در این صورت در اولین فرصت حداکثر ظرف مدت یک هفته مبادرت به صدور رای می‌نماید.»
 منتهی این پرسش مطرح می‌شود که اگر فردی که مجرمیتش از منظر دادگاه مطرح است نظر دادگاه را نپذیرد و مثلاً خود را مبری از جرم انتسابی بداند یا به عنوان انتسابی معترض باشد آیا امکان تعویق وجود دارد؟ در این زمینه خلا قانونی وجود دارد البته در انگلستان به موجب ماده ۲۸۷ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ (بخش ۲۳ زیر عنوان تعویق صدور حکم)، برای آنکه دادگاه جنایی یا بخش بتواند صدور حکم را به تعویق بیاورد با توجه به اینکه بزهدار در دوره تعویق ملتزم به اجرای دستورات و تدابیر قضایی شده و این امر موجب محدودیت آزادی او می‌شود کسب رضایت بزهدار و نیز اقناع دادگاه مبنی بر مناسبت با عدالت ضروری است، شرطی که در قوانین ایران و فرانسه دیده نمی‌شود.

در نظام کیفری انگلستان تعویق صدور حکم پس از احراز مجرمیت صورت می‌گیرد. اصولاً هدف دادگاه از تعویق صدور حکم، ملاحظه رفتار متهم و تغییرات احتمالی در اوضاع و احوال وی پس از محکومیت و پیش از تعیین مجازات است (ماده ۱ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری). بی تردید مهم ترین تصمیم پیش از تعیین مجازات، احراز مجرمیت متهم است. برخلاف این تصور سنتی که مجرمیت متهم به دنبال اتهامات و دفاعیات مفصل و طولانی نماینده دادستانی و وکیل متهم در برابر قاضی و هیئت منصفه مشخص می‌شود، در عمل بیشتر متهمان مجرمیت خود را قبول می‌کنند و بدین سان ضرورت محاکمه منتفی شده، دادگاه وارد مرحله تعیین مجازات می‌شود (مهر، نسرين. ۱۳۸۶. ۵۳). چنانچه متهم مجرمیت خود را قبول نکند، در جرائم اختصاری و جرائم دو وجهی که با رضایت متهم به صورت اختصاری رسیدگی می‌شود، دادگاه مجسرتیت و در جرائم قابل کیفرخواست، هیئت منصفه پس از بررسی دلایل طرفین و اجتماع اظهارات شهود در خصوص برائت یا محکومیت متهم تصمیم‌گیری کرده، در صورت صدور حکم محکومیت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط قانونی، صدور حکم را به تعویق اندازد.

در نظام کیفری فرانسه نیز بر اساس ماده ۵۸-۱۳۲ قانون جزا، دادگاه پس از احراز مجرمیت متهم و صدور حکم در خصوص ضبط اشیای خطرناک و زیان‌بار، می‌تواند صدور و اعلام حکم مجازات را به تعویق اندازد.

در حقوق هر سه کشور دادگاه زمانی می‌تواند به تعویق صدور حکم اقدام نماید که مجرمیت متهم را احراز کند بنابراین دادگاه پس از شنیدن اظهارات دادستان، دفاعیات متهم و وکیلش و

رسیدگی به دلایل زمانی که در مقام صدور حکم محکومیت (Conviction) است؛ قرار تعویق صدور حکم را صادر می‌کند.

۱،۲،۲: پیش‌بینی اصلاح مرتکب یا اصلاح پذیر بودن بزه‌کار

بر اساس بند ب ماده ۴۰ قانون مذکور «پیش‌بینی اصلاح مرتکب» دادگاه باید پیش‌بینی کند در تعویق ساده مرتکب مجدداً رفتار مجرمانه پیش نخواهد گرفت و در تعویق مراقبتی دستورات دادگاه را اجرا خواهد کرد. بر این اساس مقام قضایی می‌تواند پس از بررسی ابعاد مختلف شخصیت بزه‌کار از حیث فردی و محیطی و پیش‌بینی وضعیت رفتاری وی در آینده قرار مذکور را صادر کند که در حقوق فرانسه به جای عبارت پیش‌بینی اصلاح مرتکب عبارت باز اجتماعی شدن (reclassement de l'inculpe) مرتکب آمده است. صدر ماده ۶۰-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه نیز تحصیل بازپروری اجتماعی را شرط برخورداری از این ارفاق دانسته است (Canin, 2010, 130).

این شرط به مقام قضایی امکان شناسایی حالت خطرناک بزه‌کار و گرایش وی به پذیرش الگوی رفتاری هنجارگرا و یا ناقض هنجارهای قانونی را می‌دهد. از این رو، مقام قضایی باید با تشکیل پرونده شخصیت وضعیت رفتاری مجرم را مورد سنجش قرار دهد.

تشکیل پرونده شخصیت امکان بررسی گذشته زندگی مجرمان چه در بعد فردی و چه در بعد محیطی را برای مقام قضایی فراهم می‌کند. چنان که در پرتو آن شرایط خانوادگی، وضعیت تحصیلی، شرایط روحی-روانی بزه‌کار و غیره مورد بررسی قرار گرفته و مقام قضایی با تسلط بیشتری به تحلیل نظام رفتاری مجرم و گرایش‌های رفتاری وی در آینده می‌پردازد.

فلسفه اساسی صدور قرار تعویق حکم مجازات مجرم تاثیر گذاری بر تفکر مجرمانه و تغییر رفتار وی در آینده است. به این معنا که چنانچه دادگاه با توجه به نوع جرم ارتكابی، میزان شدت جرم، انگیزه مجرم در ارتكاب جرم، هیجانی بودن در حین ارتكاب جرم، ارتكاب جرم بدون سبق تصمیم، اظهارات و اقدامات وی پس از ارتكاب جرم از قبیل اظهار ندامت و پشیمانی و جبران خسارت وارده به قربانی جرم و دلجویی از وی و سایر اوضاع و احوال این برآورد را بنماید که مجرم در آینده مرتکب جرم نخواهد شد (Marsh Ian with john, 2004. 422)، اقدام به صدور قرار تعویق خواهد نمود. احراز این شرط یعنی ظن و احتمال قوی بر عدم اصلاح پذیر بودن امری موضوعی است و دادگاه در هر پرونده با توجه به مراتب مذکور در این خصوص اتخاذ تصمیم خواهد نمود. در صورت جمع شرایط و فقدان موانع دادگاه می‌تواند تصمیم بگیرد که

هیچ کیفری اعم از اصلی و جانشین را مورد حکم قرار ندهد ولی اگر شرایط مذکور کامل نبوده و در جریان تکمیل باشد دادگاه می تواند تصمیم به تعویق صدور کیفر با تعیین تاریخی در محدوده معین قانونی بگیرد (لوترمی، لورانس و کلب، پاتریک، ۱۳۸۷، ۱۳۱-۱۳۰).

۱،۲،۳: الزام دادگاه به رعایت حداقل و حداکثر مدت تعویق

دادگاه جهت حصول نتیجه این نوع تصمیم که هدف آن اصلاح رفتار مجرم است، مدت حداقل شش ماه را کمترین مدت معقولی دانسته که مجرم بتواند اقدام به اصلاح رفتار خود نماید. از سوی دیگر چنانچه مجرم نتواند در ظرف دو سال رفتار خود را در جهت تطابق با هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه تغییر دهد، بعید است که بتوان در مدتی بیشتر از دو سال این تحول را در او دید. لذا قانون‌گذار نهایت فرصت وی را مدت دو سال تعیین نموده که در مقایسه با قانون‌گذار انگلستان که حداکثر شش ماه (کل جرایم) و سه سال در تعویق مشروط مجازات (جرایم سبک) را تعیین کرده است، ضمن ایجاد محدودیت برای دادگاه، می‌توان گفت دو سال فرصت مناسب‌تری برای تغییر رفتار مجرم می‌باشد. در حقوق فرانسه با توجه به ماده‌ی ۶۰-۱۳۲ دادگاه می‌تواند تصمیم به تعویق صدور حکم با تعیین تاریخی در محدوده‌ی یک سال بگیرد که در آن تاریخ در مورد کیفر حکم صادر خواهد کرد. پس از گذشتن مدت تعویق، دادگاه تشکیل جلسه داده و تصمیم نهایی را به صورت معافیت از مجازات، تعیین مجازات یا تعویق دوباره‌ی اعلام مجازات خواهد گرفت. اصدار قرار تعویق صدور حکم در حقوق ایران و فرانسه و انگلستان از اختیارات دادگاه است. «تعلیق صدور حکم در مواردی است که اصولاً مجازات تعیین نمی‌شود و برای مدت حداکثر ۳ سال چنانچه مصلحت باشد به تعویق می‌افتد» (مهر، پیشین، ۳۱۱).

تمامی شرایط ذکر شده در مورد تعویق ساده و تعویق مراقبتی باید احراز شود بنابراین احراز یکی از آن‌ها کافی نیست.

۲. شرایط قرار تعویق صدور حکم مراقبتی

در این نوع تعویق با توجه به مواد ۴۰ تا ۵۵ قانون مجازات اسلامی علاوه بر شرایط تعویق ساده مرتکب متعهد می‌گردد دستورها و تدابیر مقرر شده بوسیله‌ی دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد. تدابیر و دستورات مذکور براساس مواد ۴۲ و ۴۳ قانون مجازات اسلامی به شرح ذیل است:

۲.۱. تدابیر تعویق

این تدابیر مواردی است که قانون‌گذار برای هر چه بهتر اجرا شدن دستورات صادر شده در نظر گرفته است که عبارت‌اند از:

- ۱- حضور به موقع محکوم علیه در زمان و مکان تعیین شده به وسیله‌ی مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر
- ۲- ارائه‌ی اطلاعات و مدارک تسهیل‌کننده‌ی نظارت در اجرای تعهدات محکوم به مددکار اجتماعی
- ۳- اعلام هر گونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از ۱۵ روز و گزارش آن به مددکار اجتماعی
- ۴- کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور

این تدابیر که می‌توان از آن‌ها به تدابیر نظارتی تعبیر کرد به این خاطر است که در زمان تعویق، مددکار اجتماعی و پس از آن دادگاه اطمینان حاصل نمایند که مرتکب تحت نظارت مقام مسئول است و نیز مرتکب بداند که رفتارش همواره مورد بازبینی قرار می‌گیرد و این بازبینی در سرنوشت پرونده و حکم دادگاه موثر خواهد بود.

تدابیر یاد شده می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد. با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی یا عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند دستور ملزم نماید.

۲.۲. دستورات تعویق

با عنایت به این که انگیزه‌ی صدور قرار تعویق مراقبتی این است که مرتکب باز اجتماعی شده و به عنوان فردی سالم به جامعه بازگردد؛ لزوماً دادگاه، دستوراتی صادر خواهد کرد که مرتکب با اجرای آن دستورات زمینه‌ی معافیت از مجازات را فراهم سازد. این دستورات با توجه به ماده‌ی ۴۳ قانون مجازات اسلامی خصوصیات زیر را دارند:

اولاً، در صدور دستور باید به جرم ارتكابی توجه شود مثلاً اگر کسی می‌خواهد محکوم به ارتکاب جرم رایانه‌ای شود؛ دادگاه می‌تواند او را از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با رایانه محروم سازد. ثانیاً، توجه به شرایط زندگی به نحوی که در زندگی وی و خانواده‌اش اختلال اساسی ایجاد

نشود. برای مثال اگر مرتکب دانشجو و مقیم تهران است؛ نباید دستور اقامت در شهرستان دیگر صادر شود. ثالثاً، دستورات دادگاه می‌تواند یک یا چند مورد خاص از موارد منعکس در ماده ۴۳ از قبیل حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص و ... باشد.

موارد هشتگانه ذکر شده در ماده ۴۳ با کمی تغییر همان مواردی است که قانون‌گذار سال ۷۰ درباره تعلیق مراقبتی ذکر کرده بود مگر این که در قانون قبلی خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، آمده بود در قانون جدید محدود شده و به صورت خودداری از فعالیت حرفه مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل موثر در آن آمده است. بنابراین اگر تلافروشی در ارتباط با حرفه خویش مرتکب جرم شود مثلاً مبادرت به ساخت سکه تقلبی نماید، دادگاه می‌تواند او را از حرفه تلافروشی محروم کند ولی می‌تواند به شغل دیگری مثلاً رانندگی یا خواربارفروشی بپردازد. در مورد معاشرت در سال ۷۰، ترک معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آن‌ها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می‌دهد ذکر شده بود در قانون فعلی خودداری از ارتباط با شرکاء یا معاونان جرم و اشخاص دیگر از قبیل بزه‌دیده آمده و عبارت خودداری از تجاهر به ارتكاب محرمات و ترک واجبات در قانون جدید حذف شده است. به نظر می‌رسد حذف این فقره به خاطر این است که این بند فایده عملی خاصی نداشت و کنترل آن غیر مقدور بود. می‌توان گفت درباره معاشرت، قانون‌گذار سابق یک دیدگاه نوعی نسبت به اشخاصی که نباید با آن‌ها معاشرت صورت پذیرد؛ داشته و تشخیص این که معاشرت با چه کسی مضر است با دادگاه بود اما در قانون جدید دقیقاً، معاونان و شرکاء و بزه‌دیده ذکر شده است.

توجه به بزه‌دیده در این بند به این خاطر است که گاه عمل متهم نسبت به قربانی آن چنان روحیه او را تحت تاثیر قرار داده که حاضر نیست حتی یک لحظه محکوم را ببیند، البته گاه ملاقات محکوم با بستگانش، ممکن است باعث تخفیف آلام قربانی گردد که این موارد منصرف از این بند است.

در قانون جدید گذراندن دوره‌های آموزشی و شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی و تربیتی و بهداشتی و پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه و حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه خاص و خودداری از تصدی برخی وسایل موتوری اضافه شده است.

مطابق مواد ۶۰-۱۳۲ تا ۶۲-۱۳۲ قانون جزای فرانسه نیز در مدت تعویق ساده، دادگاه هیچ تکلیف و الزامی از مجرم طلب نمی‌کند (Pradel, J 2014, 598). قانون جزای فرانسه، تعویق آزمایشی را در مواد ۶۳-۱۳۲ تا ۶۵-۱۳۲ پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده ۶۴-۱۳۲ این

قانون رژیم تحت آزمایش قرارداد، یعنی رژیمی که از مواد ۴۳-۱۳۲ تا ۴۶-۱۳۲ (مربوط به رژیم آزمایشی در تعلیق آزمایشی) به دست می‌آید قابل اعمال بر تعویق آزمایشی است. ماده ۴۴-۱۳۲ تدابیر کنترل کننده‌ای را که محکوم باید به آن تن دهد ذکر کرده است. قانون‌گذار ایران، آنچه را در این ماده آمده است با اندک تغییرات، در قالب ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آورده است همچنین ماده ۴۵-۱۳۲ نیز اشاره به تعهد (هایی) دارد که ممکن است دادگاه در طول مدت تعویق، مرتکب را به آنها ملزم نماید. آنچه در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است، شباهت زیادی با ماده فوق‌الذکر دارد. مطابق ماده ۴۶-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه هدف تدابیر کمک کننده این است که تلاش محکوم به منظور بازپروری اجتماعی را تقویت نمایند (آشوری، پیشین، ۱۸۸-۱۸۶). تدابیر یادشده که به صورت کمک‌های اجتماعی یا در صورت امکان به صورت کمک‌های مادی به اجرا گذاشته می‌شوند توسط سرویسهای مراقبتی و در صورت مقتضی با مشارکت همه نهادهای عمومی و خصوصی انجام می‌گیرند و این همان موردی است که قانون‌گذار ایران در تبصره ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره کرده است. همان‌طور که در ماده ۶۴-۱۳۲ اشاره شد، در حقوق فرانسه، دستورها و تدابییری که مربوط به تعلیق آزمایشی است عیناً در تعویق آزمایشی نیز اعمال می‌شود. در این خصوص ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مقررات مربوط به اعمال تعویق را در رابطه با تعلیق (چه به طور ساده، چه آزمایشی) جاری دانسته است زیرا در قانون مجازات اسلامی برعکس قانون جزای فرانسه، ابتدا به تعویق صدور حکم (فصل پنجم) و سپس به تعلیق اجرای مجازات (فصل ششم) پرداخته شده است.

همچنین در حقوق فرانسه بعضی از قوانین خاص مانند قانون ۵ ژانویه ۱۹۸۸ (امروزه ماده ۳-۴۲۱L قانون مربوط به مصرف‌کنندگان) و ماده ۱-۹-۳۲۲ قانون مربوط به جنگل، نوعی تعویق مراقبتی را پیش‌بینی نموده است.

۴. شرایط تعویق همراه با دستور صریح (تعهد انجام کار عام المنفعه) L'ajournement avec injonction

این نوع تعویق در سیستم کیفری ایران صراحتاً و جداگانه پیش‌بینی نشده است. تعویق همراه با تعهد شامل تعهد بزه‌کار به اجرای یک یا چند دستور قانونی یا آیین‌نامه‌ای با نظارت قضایی است که وی آن‌ها را رعایت نکرده است.

تصریح به ماهیت (دستورهای قانونی یا آیین‌نامه‌ای) و تعیین مهلتی که طی آن اجرا باید صورت بگیرد، بدون امکان تجدید، بر عهده دادگاه صادر کننده حکم است. در جلسه

بعدی اگر تعهدات انجام گرفته باشد دادرس می‌تواند بزه‌کار را از کیفر معاف کند و یا وی را مورد کیفر قرار دهد. در حالت عکس (عدم اجرای تعهدات) محکومیت هیچ جایگزینی ندارد و اجباراً به اجرا گذاشته می‌شود (آشوری، پیشین، ۱۷۷).

در حالت‌های پیش‌بینی شده در قوانین یا آیین‌نامه‌های کیفری موارد عدم اجرای تعهدات تعیین شده است و دادگاهی که صدور کیفر را معوق می‌نماید می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی بزه‌کار را متعهد سازد که خودش را با مقررات و آیین‌نامه‌های مذکور انطباق دهد. ضمناً مهلتی را برای اجرای این مقررات به بزه‌کار می‌دهد و در موارد قانونی، انجام تعهد اجباری را صادر نموده و نوع تعهد اجباری و حداکثر دوره‌ای که تعهد اجباری در طول آن دوره قابل اجرا است را در محدوده‌ی پیش‌بینی شده در قانون یا آیین‌نامه تعیین می‌نماید.

تعویق همراه با تعهد اجباری فقط برای یک بار مورد حکم قرار می‌گیرد. حتی اگر متهم یا نماینده‌ی شخص حقوقی متهم در جلسه‌ی دادگاه حضور نداشته باشد.

در جلسه‌ی رسیدگی بعدی هنگامی که تعهدات پیش‌بینی شده بوسیله‌ی تعویق همراه با تعهد اجباری در مهلت تعیین شده به اجرا گذاشته شده‌اند دادگاه می‌تواند بزه‌کار را از کیفر معاف کند یا کیفرهای پیش‌بینی شده در قانون و آیین‌نامه را مورد حکم قرار دهد.

هنگامی که تعهدات با تاخیر انجام گرفته‌اند در صورت مقتضی دادگاه به تعهد اجباری پایان داده و کیفرهای پیش‌بینی شده در قانون یا آیین‌نامه را مورد حکم قرار می‌دهد. افزون بر این می‌تواند بر مبنای ضوابط قانونی یا آیین‌نامه ای دستور دهد که اجرای تعهدات اجباری یاد شده به هزینه‌ی محکوم ادامه یابد.

برای پایان دادن به تعهد اجباری، دادگاه عدم اجرای تعهدات اجباری یا تاخیر در اجرای آن‌ها را با در نظر گرفتن شرایط و پیدایش حوادثی که قابل انتساب به بزه‌کار نیستند مد نظر قرار می‌دهد. تعهد اجباری نمی‌تواند منجر به اجبار قضایی شود. در صورت عدم وجود منع قانونی صدور حکم کیفری یک سال به تعویق می‌افتد. (Canin, 2010, 141) (برگرفته از مواد ۶۶-۱۳۲ تا ۷۰-۱۳۲)

۴. آثار تعویق

۴.۱ از تاریخ صدور قرار تعویق تا پایان مدت

۴.۱.۱ الغا قرار تعویق و صدور حکم محکومیت

به موجب ماده ۵۴ چنانچه مجرم در مدت تعویق مرتکب جرمی شود که مجازات آن از نوع

حد، قصاص، دیه و یا تعزیری تا درجه هفت باشد، دادگاه مکلف است که اقدام به لغو تعویق مجازات نموده و پس از آن مجرم را احضار و در صورت عدم حضور، جلب و برای وی مجازات تعیین نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم چه در تعویق و چه در تعلیق و ارتکاب جرایم موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ سبب صدور حکم محکومیت در تعویق و لغو قرار تعلیق و صدور دستور اجرای حکم معلق می‌گردد. و طبق تبصره ماده ۴۴ در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت صدور تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.

۴.۱.۲ افزایش مدت تعویق

همان‌گونه که بیان گردید مجرم نه تنها مکلف است در مدت تعویق مرتکب جرایم صدر ماده ۴۴، نشود بلکه موظف است در تعویق مراقبتی دستورات دادگاه به شرح موارد هشت‌گانه در ماده ۴۳ را اجرا نماید والا دادگاه در تصمیم خود تجدید نظر و می‌تواند اقدام به افزایش مدت تعویق مجازات حداکثر تا نصف مدت تعیین شده نماید. به این معنا چنانچه دادگاه به مدت یک سال مجازات مجرم را به تعویق انداخته باشد تا شش ماه می‌تواند به مدت مذکور اضافه نماید. تفاوتی که در خصوص ضمانت اجرای تخلف از دستورات دادگاه با ارتکاب جرم از سوی مجرم در مدت تعویق وجود دارد آن است که اولاً، دادگاه در صورت ارتکاب جرم مکلف به لغو قرار تعویق مجازات می‌باشد در حالی که در مورد عدم اجرای دستورات دادگاه چنین تکلیفی وجود ندارد. ثانیاً، در صورت عدم انجام دستورات، دادگاه الزامی به افزایش مدت تعویق مجازات ندارد و این عبارت در قالب لفظ «می‌تواند» در ذیل ماده ۴۴ مقرر گردیده، در حالی که در صورت ارتکاب جرم، دادگاه موظف به صدور حکم مجازات مجرم می‌باشد. در مقررات کیفری انگلستان اتخاذ هر نوع تدبیری و الزام یا شرطی برای مجرم از سوی دادگاه در دوره تعویق پیش‌بینی و دادگاه مکلف است ضمانت اجرای عدم رعایت آن‌ها را به او گوشزد نماید و به وی اعلام دارد که در تصمیم صدور حکم مجازات، رعایت یا عدم رعایت و یا میزان رعایت آن‌ها مورد توجه قرار خواهد گرفت. آنچه در مقررات کیفری این کشور بیان گردیده این است که عدم رعایت دستورات دادگاه موجب لغو قرار تعویق و سپس تعیین مجازات برای مجرم مطابق مقررات می‌باشد.

طبق مواد ۵۰ و ۵۲ و ۵۴ قانون مجازات اسلامی چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام برای بار اول یک یا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. پس لغو تعلیق در این فرض اختیاری است.

۴,۲ پس از پایان مدت تعویق

۴,۲,۱ معافیت از کیفر

طبق ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش های مددکار اجتماعی و عدم ارتکاب جرایم موضوع مواد ۴۴، ۵۲ و ۵۴ و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می کند.

۴,۲,۲ تعیین کیفر

طبق ماده فوق پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش های مددکار اجتماعی و ارتکاب جرایم احصا شده قانونی دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر اقدام می کند.

۵. جرایم ممنوع از تعویق

اعمال تعویق مجازات اساساً در خصوص آن دسته از جرایمی مقرر شده است که مجازات آن ها سبک می باشد بنابراین آن دسته از جرایم برخوردار از مجازات های سنگین را در بر ندارد. به موجب قانون ایران مجازات هایی که حداقل آن ها بیش از مجازات های مقرر در درجه ۶ می باشند مجازاتی سنگین تلقی و مشمول تعویق مجازات نخواهند شد.

همان گونه که می دانیم تعلیق مجازات سابقه دیرینه در حقوق کیفری ایران دارد و تعویق مجازات امری نو و بدیع محسوب می گردد. مقررات مربوط به تعلیق و تعویق متفاوت می باشند. در تعلیق مجازات برخلاف تعویق مجازات، دادگاه پس از احراز مجرمیت متهم، برای وی تعیین کیفر نموده و سپس مجازات او را تعلیق می نماید، در حالی که در تعویق مجازات دادگاه پس از احراز مجرمیت متهم، برای وی تعیین کیفر ننموده بلکه صدور حکم مجازات او را به تاخیر می اندازد. از دیگر ضمانت اجراهای عدم التزام مجرم به تعهدات تحمیل شده در دوره تعویق مجازات، ممنوعیت دادگاه به صدور تعلیق مجازات جرم است. تبصره ماده ۴۳ این الزام را مقرر نموده در صورتی دادگاه اقدام به الغای قرار تعویق و صدور حکم مجازات برای مجرم نمود دیگر نمی تواند مجازات تعیین شده را معلق نماید. ممنوعیت تعلیق مجازات برای فردی که مجازات وی به تعویق انداخته شده و در مدت مذکور مرتکب جرمی شده و سپس قرار تعویق وی لغو گردیده امری منطقی به نظر می رسد. به این معنا که زمانی که دادگاه یک بار با اعتماد به مجرم

مجازات او را به تاخیر انداخته و مجرم به الزامات و تعهدات خود عمل ننمود، اعتماد مجدد به وی امری دشوار به نظر می‌رسد. به ویژه آنکه با توجه به مقررات ماده ۴۵ شرایط تعلیق مجازات همچون شرایط تعویق مجازات می‌باشد. بنابراین با توجه به اهداف مقنن از نهادهایی همچون تعویق و تعلیق مجازات که همانا کوشش مجرم برای اصلاح بهبود رفتار خود می‌باشد، عدم تلاش و یا عدم تمایل مجرم در این جهت، حصول به این هدف را غیر ممکن خواهد نمود. طبق مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعویق مجازات، جرایم درجه یک و دو و همچنین جرایم احصا شده و شروع به جرایم مذکور را ممنوع اعلام داشته است که عبارتند از: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تاسیسات آب و ... در خصوص ماده ۴۶ چند نکته قابل توجه می‌باشد. اول، با توجه به اینکه هم در ماده ۳۹ و هم در ماده ۴۵ تنها می‌توان مجازات‌های تعزیری تا درجه ۶ را تعویق و تعلیق نمود، ذکر ممنوعیت تعویق و تعلیق جرایمی همچون محاربه (دارای مجازات حد)، افساد فی الارض، سرقت مسلحانه، آدم‌ربایی، اسید پاشی، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و موارد دیگر که با توجه به مقررات قانونی مجازات تعزیری این گونه جرایم اغلب در درجه پنج به بالا می‌باشند، امری زائد به نظر می‌رسد. دوم، از آنجایی که جرمی تحت عنوان جرم علیه امنیت داخلی و خارجی در مقررات کیفری ایران پیش‌بینی نشده معلوم نیست منظور از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در بند الف ماده ۴۷ قانون چه نوع جرایمی است. چنانچه منظور جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور موضوع قانون تعزیرات ۱۳۷۵ تحت عنوان «جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» (یعنی از ماده ۴۹۸ الی ماده ۵۱۲) باشد، با ملاحظه اصلاحات به عمل آمده تنها جرم موضوع ماده ۵۱۱ دارای مجازات درجه ۶ می‌باشد و بقیه جرایم این فصل درجه پنج و به بالا می‌باشند. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به تاکید قانون‌گذار و اطلاق عنوان مذکور هر جرمی که شباهت موضوعی با جرایم موضوع مواد مذکور داشته باشد ولو مجازات آن از درجه ۸ باشد، دادگاه نمی‌تواند اقدام به تعویق یا تعلیق مجازات مرتکب نماید (سالاری شهر بابکی، میرزا مهدی. ۱۳۸۷. ۵۱ به بعد). سوم اینکه قانون‌گذار بدون اینکه تعریفی روشن ارائه نماید، در بند ج ماده ۴۷ «جرایم اقتصادی» که بیش از یکصد میلیون ریال باشد را مشمول ممنوعیت برای تعویق و تعلیق قرار داده است. مطابق قانون جزای فرانسه، اصلاحی سال ۲۰۰۴، دادگاه زمانی می‌تواند صدور حکم مجازات را به تعویق بیندازد که علاوه بر شرایط مندرج در ماده ۶۰-۱۳۲ جرم ارتکاب یافته در قلمرو جرایم جنحه یا خلاف باشد. ماده ۵۸-۱۳۲ در این باره مقرر می‌دارد: در قلمرو جنحه‌ای به غیر از موارد پیش‌بینی شده در مواد ۶۳-۱۳۲ تا ۶۵-۱۳۲ یا در قلمرو خلافتی، دادگاه

می‌تواند پس از بزه‌کار دانستن متهم ... و شرایط پیش‌بینی شده در مواد بعدی، صدور حکم را به تعویق بیندازد (توجهی، عبدالعلی. و کوره پز، حسین محمد. ۱۳۹۲. ۳۳۰).

قانون مجازات فرانسه، چنین ممنوعیتی برای ارتکاب برخی جرایم پیش‌بینی نکرده است و همین که بازپروری اجتماعی بزه‌کار در حال حاصل شدن باشد، خسارتهای ایجادشده در حال جبران باشد و آسیب‌های ناشی از بزه نیز در آستانه متوقف شدن باشد، برای تعویق در صدور حکم بزه‌کار کفایت می‌کند. به همین دلیل است که برخی از نویسندگان، ممنوعیت شمول تعلیق یا (تعویق) به بعضی مجازات‌های تعزیری را ناموجه می‌پندارند زیرا شدت و وخامت بعضی از جرایم نباید موجب محرومیت از توجه و ارفاق گروهی از بزه‌کاران شود چرا که اساس و غایت چنین نهادهایی، اصلاح بزه‌کاران و پیشگیری از جرم می باشد.

در نظام کیفری انگلستان می‌توان از مجموع مقررات کیفری استنباط نمود که در صورتی که مجرم الزامات تعیین شده از سوی دادگاه را مراعات ننماید، دادگاه نمی‌تواند اقدام به تعلیق مجازات وی نماید. این موضوع را می‌توان از مفهوم ماده ۱۷۷ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ و دستورالعمل‌های تعیین مجازات ۲۰۰۴ شورای تعیین مجازات (Sentencing Guidelines Council) انگلستان دریافت که بیان می‌دارند در صورتی که مجرم الزامات و تعهدات دادگاه را مراعات نماید دادگاه می‌تواند حتی بدترین نوع مجازات (حبس) را تعلیق نماید (مهر، پیشین، ۳۰۱). مفهوم مقررات مذکور به آن معنا است که اگر الزامات دادگاه از سوی مجرم نادیده گرفته شود (ظرف مدت شش ماه) دادگاه هر چند ممکن است مجازات او را به مجازات دیگر تبدیل نماید لکن نمی‌تواند آن را تعلیق نماید. در انگلستان مجازات‌های بیش از سه سال حبس از دایره اعمال این نوع تصمیم خارج می‌باشند. با این حال قانون‌گذار ایران و انگلستان به جهت اهمیت یک سری جرایم و ایجاد محدودیت برای دادگاه‌ها صراحتاً تعویق مجازات آن‌ها را ممنوع اعلام داشته‌اند. در نظام کیفری انگلستان نیز برخی جرایم به موجب ماده ۱۳ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (تعیین کیفر) ۲۰۰۰ از شمول مقررات تعویق مجازات خارج و دادگاه‌های کیفری حق صدور تعویق مجازات مجرمان در این نوع جرایم را ندارند. در ماده مذکور آمده است که جرایم مشمول ماده ۱۰۹/۲ که در بردارنده مجازات حداقل ۷ سال حبس برای جرایم مواد مخدر می‌باشند، ماده ۱۱۰/۲ که شامل آن دسته از جرایم شدیدی است که مجازات حبس ابد برای آن‌ها مقرر گردیده و ماده ۱۱۱ که متضمن جرم ورود به منزل دیگری برای ارتکاب جرم و حداقل سه سال حبس دارد، از شمول تعویق مجازات خارج بوده و دادگاه‌ها حق صدور آن را برای این دسته از مجرمان ندارند (مهر، همان، ۱۳۰ و ۱۴۴).

نتیجه گیری

تعویق در حقوق کیفری کشورمان از کشور های رومی-ژرمنی مخصوصا فرانسه واز هر دو سیستم انگلو- امریکن وفرانسه-بلژیک هرچند ناقص بهره برداری شده، منتهی سعی گردیده شرایط و مقتضیات نظام کیفری ایران نیز لحاظ شود. اصل نهاد تعویق صدور حکم (مقرر در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی) از قانون جزای فرانسه اقتباس شده است؛ با این تفاوت که در برخی موارد قانون- گذار فرانسوی به جای ذکر دقیق شرایط صدور قرار تعویق، با ارائه ضابطه، تشخیص انطباق آن را با خصوصیات مرتکب و احوال جرم ارتكابی، برعهده مقام صادرکننده قرار داده است. در حالیکه قانون گذار ایرانی به منظور جلوگیری از اعمال رویه‌ها و تصمیمات متفاوت در شرایط مشابه، شرایط اعطای این نهاد را به طور دقیق تری احصاء نموده است. مقنن ایرانی مانند قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ و قانون اختیارات دادگاه های کیفری ۲۰۰۰ انگلستان و قانون جزای فرانسه قرار تعویق صدور حکم را به احراز شرایطی که غالبا در ماده ۴۰ آمده از قبیل سبک بودن جرم ارتكابی، موافقت بزه کار و جبران ضرر و زیان و ... منوط کرده است. با این حال قضاوت در ارتباط با کارایی و میزان تمایل قضات در استفاده از آن، هنوز زود است و تا زمانی که نهاد مزبور به طور رسمی در بوته آزمایش سنجیده نشود، مشخص نیست که آیا همچون نهادهای مشابه (نظیر تعلیق) مورد بی توجهی قرار می گیرد یا خیر. تجربه‌ای که از نهادهای مشابه بیان شده است حکایت از آن دارد که به دلیل عدم وجود سازمان‌ها و مراکز متولی برای اعمال نظارت و کنترل رفتار مجرمین در دوره آزمایشی، نبود بسترها و زیرساخت‌های فرهنگی، آموزشی، اجرایی و اقتصادی لازم، عدم پویایی نظام عدالت کیفری و تجانس آن با پاسخ های کیفری سنتی و گرایش نداشتن قضات برای توسل به نهادهای جایگزین سنتی تر همانند تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط، ابهام های مواد قانونی مربوطه، چشم انداز روشنی در استفاده از این نهاد در نظام کیفری ایران قابل ترسیم نبوده مخصوصا اینکه مقنن ایرانی قرار تعویق صدور حکم را تکلیفی ندانسته و آن را حق مرتکب محسوب نمی کند و حتی در صورتی که تمامی شرایط صدور قرار فراهم باشد دادگاه تکلیفی به اعمال آن ندارد؛ به دلیل عدم توجه قانون گذار به چنین الزاماتی، پژوهش در این حوزه به منظور رفع موانع اجرایی، اقدامات تقنینی و ابهام زدایی از مقررات مربوطه ضروری به نظر می رسد. ابهام زدایی از مقررات و مواد قانونی مربوط به نهاد تعویق اعم از قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری و رفع تعارض و اختلاف صلاحیت مثلا در مواد ۷۹ تا ۸۱ و ماده ۳۴۰ آیین دادرسی کیفری در مورد صلاحیت و اختیار دادستان و بازپرس برای تعلیق و تعویق تعقیب یا طرح مستقیم جرایم تعزیری درجه هفت و هشت در دادگاه و بسیاری ابهامات دیگر و تکمیل آن.

نهایتاً توجه بیشتر تصمیم‌گیران سیاست جنایی ایران به راهبرد تعویق که بر مصلحت، عقلانیت و مداراگرایی کیفری مبتنی است، نقش موثری در ساماندهی نظام و مدیریت عدالت کیفری (Administration de la justice penale) ایفاء می‌نماید. خصوصاً این که امروزه می‌توان، همگرایی جهانی در زمینه کنارگذاری شیوه‌های سرکوبگر کیفری و استفاده از تدابیر ارفاقی و روادارانه کیفری در سیاست جنایی کرامت‌مدار را دنبال نمود. اگر قضات بیشتر به این نهاد توجه داشته باشند و قانون‌گذار هم در برخی از جرایمی که از اهمیت بیشتری برخوردار است دایره شمول تعویق را گسترش دهد موجب کارآیی بیشتر این نهاد شده، جنبه‌های توافقی، قراردادی و مشارکتی شدن حقوق کیفری در پرتوحقوق بشر تقویت و زمینه نیل به اهداف مترقی مدیریت عدالت کیفری و فردی و شخصی کردن آن هرچه بیشتر فراهم می‌گردد. با این حال اجرای شایسته و دقیق آن، نویدبخش تحولی اساسی در برگشت افراد به جامعه و پرهیز از مضرات برچسب‌زنی و مشوقی برای تلاش بزه‌کاران در اصلاح خود است.

منابع

۱. اردبیلی، محمد علی. حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان، جلد نخست، ۱۳۹۵
۲. استفانی، گاستون. و لواسور، ژرژ. و بولوک، برنار. حقوق جزای عمومی. ترجمه حسن دادبان. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. جلد دوم، ۱۳۷۷
۳. آشوری محمد. آیین دادرسی کیفری. جلد اول. ویراست ۵: با تجدید نظر اساسی. نشر سمت، ۱۳۹۷
۴. آشوری، محمد. جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین. نشر گرایش، ۱۳۸۲
۵. برهانی، محسن، مریم، نادری فر، تعزیرات منصوص شرعی؛ مفهوم و مصادیق قانونی، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره دهم، ۱۳۹۴
۶. توجهی، عبدالعلی. و کوره پز، حسین محمد. درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه. پژوهش حقوق کیفری. دوره ۲، شماره ۵، ۱۳۹۲
۷. حجتی، سیدمهدی. تحول واکنش اجتماعی در قبال بزهکاری اطفال. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۵، ۱۳۸۰
۸. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی، تحولات بزه‌دیده‌شناسی، جلد یک، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰

۹. زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی (تطبیق در قانون جزای فرانسه، لبنان، اردن و ایران)، تهران، فکرسازان، ۱۳۸۴
۱۰. سالاری شهر بابکی. میرزا مهدی، جرایم علیه امنیت کشور. تهران: نشر میزان. چاپ اول، ۱۳۸۷
۱۱. سبزواری نژاد، حجت. نظام تعویق کیفر از نظر تا عمل. پژوهشنامه اندیشه های حقوقی. دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۱
۱۲. فتح آبادی، حسین، تعویق تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران، انگلستان و فرانسه، رساله دکتری، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۵
۱۳. گودرزی بروجردی، محمدرضا، لیلا، مقدادی، ترجمه قانون مجازات فرانسه، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، مرکز مطالعات توسعه قضایی، تهران، سلسبیل، ۱۳۸۶
۱۴. لوترمی، لورانس و کلب، پاتریک، ۱۳۸۷، بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه، ترجمه محمود روح الامینی، تهران، میزان، ۱۳۸۷
۱۵. مهرا، نسرين. کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان (با تکیه بر کارکرد های کیفر)، مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۴۵، ۱۳۸۶
۱۶. مهرا، نسرين. دانشنامه حقوق کیفری انگلستان. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲
۱۷. مهرا، نسرين، حجت، سبزواری نژاد، ابعاد جبران خسارت قربانی جرم در انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویژه نامه شماره ۵، ۱۳۹۰
۱۸. نیازپور، امیر حسن. توافقی شدن آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳
19. Ashworth, A, *sentencing and criminal justice printed in great Britain* by butler and tanner ltd frome and London, 1992
20. Canin, P "*Droit penal general*" Hachette Education, 5 ed, 2010
21. Criminal justice act 2003, (30.44) London published by TSO (the stationary office) shops.
22. Duff, A. "*probation punishment and restorative justice shold al truism be engaged in punishment?*" horward journal. vol,42(2), 2003
23. Easton, S., & Piper, C. *Christine sentencing and punishment* oxford university. 2005
24. Marsh, I with john, Cochrane and gaynor Melville, *CRIME AND CRIMINAL JUSTICE* Routledge, 2004
25. Pradel, J "*Droit penal general*" 20 ed, 2014
26. Dignan, J, *Understanding Victims And Restorative Justice*, Open University Press, Maidenhead, Berkshire, UK, 2005.
27. Sprack, J, *A practical approach to criminal procedure*. Oxford University Press. 14 ed, 2011